



قصه

"دوره"

و

غصه

"حوزه"







قصه "دوره"
و
قصه "حوزه"

تهیه و تنظیم: اداره روابط عمومی و امور بین الملل
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مجتبی زند

تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر | ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش |
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی | کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ |
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ | نامبر: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir





وزارت تعلیم و تربیت
سازمان پرورش و زبانامیزی آموزشی



قصہ

"دورہ"

و

غصہ

"حوزہ"



یادداشت پیش رو به قلم دکتر حسن ملکی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در باب تحلیل "تفکیک دوره و حوزه یادگیری" که در مقطعی از فرآیندهای کاری سازمان پژوهش مطرح شده بود؛ نوشته شده است.

«دوره» و «حوزه» این دوگانه مخل و غیرمنطقی از حدود سه سال قبل در فرهنگ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وارد شد و گویا جابخوش کرده است و قصد رحل اقامت ندارد. این تثبیت تلفاتی داشت؛ زخم‌هایی باقی گذاشت و ضربات روحی و روانی وارد نمود. چرا این مسئله رخ داد و چرا هنوز باقی است و به مزاحمت خود ادامه می‌دهد؟ علت بروز این مسئله را در چند چیز باید جستجو نمود.

بارزترین آن‌ها عدم فهم درست و دقیق «برنامه درسی ملی» به عنوان يك زیرنظام سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. شاید این سند مهم بارها و بارها توسط افراد مختلف ملاحظه و مطالعه شده است ولی رویدادهای آموزشی و تربیتی و تحلیل‌های برخی مدیران و کارشناسان نشان می‌دهد فهم دقیق از این سند حاصل نشده است. (در این خصوص در مطالب بعدی شرح داده خواهد شد)

علت دوم سوء فهم در ماهیت دوره تحصیلی و جایگاه آن در نظام تعلیم و تربیت است. تلقی غالب این است که «دوره» حصاری است که تا سنگ چین دور آن با اندازه‌گیری و محاسبه سانتی‌متر و حدود و ثغور هندسی چیده نشود و نگهبان و یا نگهبان‌هایی جهت مراقبت از نفوذ اغیار گماشته نشود، آرامش خیال به دست نمی‌آید و اصولاً دوره تحصیلی شکل نمی‌گیرد.

علت سوم هم با کمال تأسف و تأثر نقشه‌ها و طرح‌های پیش‌بینی شده از سوی تعدادی از عناصر تحول ستیز است که اکنون تحت عنوان «مدافعان دوره» تجمع یافته‌اند و با طرح این موضوع ناصحیح و مخل «اول دوره سپس حوزه» به بدنه کارشناسی و کارشناسان بسیار عزیز و بصیر دفتر برنامه‌ریزی درسی و تألیف، سنگ پرتاپ می‌کنند. این گروه تلاش می‌کنند در داخل سازمان نیز همراهانی داشته باشند تا با يك تشکل حساب شده از تداوم و گسترش اندیشه تحولی در جهت مفاد برنامه درسی ملی جلوگیری کنند. شخصاً اعتقاد دارم که، هرگز کارشناسان هوشیار و با بصیرت تحت تأثیر این حرکات نامیمون قرار نخواهند گرفت و راه خود را با رعایت موازین فلسفی و علمی ادامه خواهند داد. این نکته در همین قسمت از مطالب یادآوری می‌شود که، علل اول و دوم تأثیرگذارتر و مبنایی‌تر در این مسئله هستند و علت سوم در فضایی که به‌وسیله «سوءفهم» اسناد پدید می‌آید؛ رشد می‌کند. لذا اگر خدای متعال یاری فرماید و کارشناسان عزیز مساعدت کنند و فهم درست برنامه درسی ملی و درك عمیق‌تر دوره تحصیلی تحقق یابد، راه تحول هموارتر می‌شود. برای آن که از این تأکید اینجانب تعبیر دیگری نشود، اعتراف می‌کنم، خود بنده که بارها در برنامه درسی ملی اندیشیده‌ام، باز در مطالعه بعدی و مکرر نکات تازه‌ای به دست

می‌آورم. لذا هیچ مانع و عذری وجود ندارد که افراد دست اندرکار هم این سند را به طور مکرر مطالعه کنند و به دلالت های آن به طور عمیق پی ببرند. به علاوه این که اصولاً به سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی باید با حکمت دینی و معنوی نگریست تا چیزی عاید انسان شود. کلمه به کلمه و عبارت به عبارت این سند بر پایه اندیشه قرآنی و فلسفه فاخر اسلامی، نگارش یافته و حدی از حکمت اسلامی را در آن می‌توان ملاحظه کرد. البته در این جا قصد تقدیس سند برنامه درسی ملی را ندارم؛ ولی ارتباط وثیق آن با مقدسات را می‌خواهم یادآور شوم. ممکن است همین اسناد ایراد و اشکال متعددی نیز داشته باشند، ولی آن‌ها در جای خود و در زمان خود باید بررسی و اصلاح شوند. فعلاً این سند هنوز باقی است و باید به‌طور دقیق فهم و از مظلومیت آن دفاع شود. بارزترین ظلم به این سند آن است که «دوره، دوره گویان» بر پیکر این سند و راهنماهای برنامه درسی منشعب از آن سنگ بزنیم و نام آن را دفاع از عقلانیت برنامه‌ریزی بگذاریم. بدون تردید برخی از همکاران محترم که با این جهت‌گیری، پیش‌روی تحول، مانع ایجاد می‌کنند، صداقت دارند و به زعم خود سخن درستی می‌گویند؛ لکن مطابق شرحی که در سطور بعدی خواهد آمد، با استدلال معلوم خواهد شد که آنان صداقت دارند، ولی کاوش دیگری در مفاد و معانی

برنامه درسی ملی باید انجام دهند و به لایه‌های دیگری از حقایق نهفته در آن پی ببرند. از ناحیه برخی دیگر از «محبان دوره» اخیراً این مسئله طرح و گزارش می‌شود که «راهنماهای برنامه درسی به اندازه کافی در سازمان بررسی نشده‌اند و به شورای عالی آموزش و پرورش فرستاده شده‌اند.» افرادی که این نوع تردیدها را در اذهان می‌آفرینند، قدری واقع بین و درست اندیش باشند و توجه کنند. حقیقتاً این قبیل افراد باید پاسخ خود را از تلاش‌های جهادگونه کارشناسان عزیز و بصیر حوزه‌های تربیت و یادگیری یازده‌گانه و به علاوه دوره پیش دبستان بگیرند. توصیه می‌کنم در محضر مدیران محترم این حوزه‌ها قرار گیرند و روایت آنان را بشنوند و سپس درباره «تردید پاشی» خود بیان‌دیشند و حقیقت را دریابند. من در مقابل تک‌تک مدیران عزیز گروه‌های پژوهش و برنامه‌ریزی درسی دوازده‌گانه و کارشناسان آن‌ها تعظیم می‌کنم و به وجود آن‌ها مباحثات می‌کنم که توانستند يك ضرورت معوقه ده ساله را با کوشش و مجاهدت علمی و عملی به سامان برسانند و دوازده علم تحول را در فضای تعلیم و تربیت کشور به اهتزاز درآورند. اینجانب در این مقطع از مسئولیت خود در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مستظهر به این شایستگی‌های همکاران محترم هستم و به عنوان يك افتخار از آن یاد می‌کنم و یاد خواهیم کرد.

چرا هنوز باقی است؟

در مطلع عرایض خود دو سؤال طرح کردم. یکی این که چرا این مسئله رخ داد؟ و سؤال دوم این که چرا هنوز هم باقی است؟ به پاسخ سؤال نخست تا حدودی پرداختم و اکنون قدری راجع به سؤال دوم توضیح می‌دهم.

در سال ۱۳۹۸ که بنا بود برنامه‌های سال ۱۳۹۹ تدوین شود، هشت کلان پروژه طرح شد و مقرر گردید این پروژه‌ها تعقیب شوند. به‌طور طبیعی به تناسب ماهیت هر دفتر، فعالیت‌ها توزیع شد. از جمله آن‌ها پروژه‌های دوره‌های تحصیلی بود که علی‌رغم اینکه در همان زمان ابلاغ شد؛ انجام نگرفت و اکنون که سال ۱۴۰۰ آغاز شده است، آن کلان پروژه‌ها به وقوع نپیوسته است. این همه تأخیر در انجام کارها يك مصیبت بزرگ سازمانی است، ولی مصیبت‌بارتر اینکه عملیاتی کردن برنامه درسی ملی به طراحی دوره تحصیلی پیوند خورد. اما این پیوند جوش نخورد، زیرا دو نهال نامتجانس هرگز به هم نمی‌پیوندند. انصافاً در کجای برنامه درسی ملی درج شده است که برای انجام و اجرای حوزه‌های یازده‌گانه دوره تحصیلی، را باید طراحی کنید؟ اصلاً این ضرورت از کجا و چرا به‌وجود آمد؟ آیا جز این است که گویی خود تدوین‌کنندگان سند نیز به عمق مطالبات برنامه درسی ملی پی نبرده‌اند؟ آیا در برنامه درسی ملی، در جایی

قید شده است که ابتدا باید دوره طراحی شود و سپس به حوزه‌ها پرداخته شود؟ اصلاً چنین چیزی وجود ندارد و با کمال تأسف این حرف و شعار نادرستی است که بر زبان‌ها افتاده و قلوب عده‌ای را نیز تسخیر کرده و اکنون در حساس‌ترین لحظات تحول همه ما را اذیت می‌کند. امیدوارم این عزیزان که در خارج و داخل سازمان همگرایی دارند و قصد ایجاد شك و تردید در افکار و اندیشه کارشناسان بسیار عزیز گروه‌ها را دارند، بازاندیشی کنند و همت و اراده خود را صرف تداوم راه تحول نمایند و به تحقق هدف‌های مشترک یاری رسانند. ناگفته نماند اینجانب نیز در آغاز مسئولیت خود در سازمان، انجام پروژه طراحی دوره تحصیلی را نفی نکردم؛ اما همیشه به آن به عنوان يك پروژه تحقیق می‌نگریستم، مانند ده‌ها پروژه دیگر که گزارش تحقیق آن باید آماده شود. ولی هرگز در نظرم نبود که، برنامه‌ریزی درسی تحولی و تولید راهنماهای برنامه درسی را به این پروژه پیوند بزنم. قصد این بود که این تحقیق انجام گیرد و از یافته‌های آن در مسیر راه تحول بهره‌برداری شود. متأسفانه این نیت و اقدام اکنون به يك مرام تبدیل شده است. چه بسا قصد و نیت آنانی که به این تقدم دوره به حوزه پافشاری می‌کنند، پاک و خالص باشد ولی انگیخته نامناسبی در سازمان به دنبال دارد. از جمله اموری است که باید از خداوند طلب کنیم تا با عنایت خاص او سامان پیدا کند.



برنامه درسی ملی و آمیختگی دوره و حوزه

اگر برنامه درسی ملی با ابعاد و مؤلفه‌هایش به درستی فهم شود، پیوند ذاتی دوره و حوزه در ساختار آن پذیرفته می‌شود و هیچ دلیل و ضرورتی برای دامن زدن به دوگانه‌ای به نام دوره و حوزه باقی نمی‌ماند. اصولاً اقتضائات دوره و مختصات حوزه آنچنان در آمیخته است که نباید به صورت تفکیکی عمل نمود. جایگاه حوزه‌ها را نباید در حد عناوین دروس و موضوعات درسی تقلیل داد و سپس آن‌ها را لزوماً زیرمجموعه دوره طبقه‌بندی کرد. ماهیت هر حوزه در برنامه درسی ملی به نحوی است که حدود تربیت و یادگیری را نشان می‌دهد و طبق اصول ناظر بر برنامه‌ریزی درسی، رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی، الگوی هدف‌گذاری، هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی و شایستگی‌های پایه ناظر به محکمت تربیتی می‌باشد. منظور از محکمت، مجموعه‌ای از اصول و ضرورت‌های تربیتی است که از قراردادهای و حدس و گمان افراد به دست نمی‌آیند بلکه از مبانی و اصول بنیادین تربیتی ریشه می‌گیرد. دو نمونه از حوزه‌ها جهت توضیح و تصریح این مطلب ذکر می‌شود. در حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی این طور آمده است:

«تعمیق معرفت و ایمان متریبان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به معرفت نسبت به برنامه جامع تربیتی انسان است؛ تا به متریبان، میزانی از آگاهی درباره اسلام را بدهد تا بتوانند براساس آن زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خدا سامان بدهند، فرد را توانمند سازد که، به گونه‌ای فعال، جامعه را به سوی آرمان‌های اسلامی سوق دهد و در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ایستادگی و مقاومت کند و به او این توانایی را بدهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه مشارکت مؤثر داشته باشند ...»

برای تحقق آنچه که در این فراز آمده است، باید منتظر چیزی به نام دوره تحصیلی بمانیم؟ مگر کارکرد حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی به طور صریح جهت‌گیری و اهداف تربیتی در این حوزه را نشان نمی‌دهد؟ مگر برای تعمیق معرفت و ایمان متریبان باید از جایی یا از دلالت دوره تحصیلی مجوز بگیریم؟ مجموع مطالبی که درباره این حوزه و سایر حوزه‌ها در



برنامه درسی ملی قرار داده شده است، اقدامات برنامه‌ای متناسب با هر حوزه را مطالبه می‌کند. به علاوه اینکه هر یازده حوزه، وجوه مشترک نیز دارند که لزومی به پرداختن به آن‌ها نیست. نتایج یادگیری دانش‌آموزان در حوزه حکمت و معارف اسلامی در پایان دوره‌های تحصیلی عبارت‌اند از:

- آمادگی برای دینداری و عمل به وظایف دینی مبتنی بر ایمان توأم با معرفت و شناخت
- احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن
- تلاش برای رشد شعائر و فرهنگ دینی جامع در شرایط مختلف اجتماعی
- احساس مسئولیت نسبت به نظام اسلامی و مشارکت در پیشرفت نظام و اقتدار و سربلندی آن در جهان
- بهره‌مندی از حکمت نظری و عملی

قاعده‌تاً در دوره‌های تحصیلی برای کمک به انجام و تحقق این نتایج، باید تدبیراندیشی شود. یعنی دوره‌ها براساس ضرورت‌های تربیتی حوزه‌ها باید سامان پیدا کنند، نه بالعکس. آیا با توجه به

انتظاراتی که در حوزه‌ها طرح شده، می‌توان دوره طراحی کرد و براساس آن نسبت به حوزه‌ها حکم صادر کرد؟ نتیجه چنین طرز تلقی ای این خواهد بود که، طبق یافته‌های پروژه دوره تحصیلی، نسبت به حوزه‌های یادگیری تعیین تکلیف و احتمالاً برخی چیزها تغییر کند. حقیقتاً ما چنین اختیار و اجازه‌ای داریم؟ مگر برنامه درسی ملی با همه عناصر و مؤلفه‌هایش قانون نیست؟ مگر می‌توان براساس نتایج يك پروژه مجموعه‌ای از ضرورت‌های تربیتی مستخرج از مبانی را تغییر داد؟

ضرورت و کارکرد حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی نیز نمونه دیگری است که، کفایت برنامه درسی ملی را در پرداختن به راهنماهای برنامه درسی نشان می‌دهد.

«پرورش علمی دانش‌آموزان و برخوردار شدن ایشان در سواد علمی فناوریانه در بُعد شخصی و فردی از لازمه‌های زندگی سالم و موفقیت‌آمیز و در بُعد اجتماعی لازمه بقای عزت‌مدار و توسعه پایدار ایران اسلامی است، از این رو رشد و ارتقای توان‌مندی‌ها و شایستگی‌های دانش‌آموزان در عرصه علوم تجربی به شناخت و استفاده مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی با هدف تکریم، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در ارتقای سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی می‌انجامد.



آموزش علوم تجربی از يك سو در ایجاد بصیرت و بینش عمیق نسبت به درك دنیای اطراف و زمینه‌سازی برای تعظیم خالق متعال از طریق فهم عظمت خلقت ضرورت دارد و از سوی دیگر با عنایت به وابستگی روز افزون ابعاد گوناگون زندگی انسان به یافته‌ها و فرآورده‌های علمی فناوریانه ضروری می‌نماید. از این رو اگرچه پرورش سواد علمی فناوریانه، محور مشترك تمامی برنامه‌های آموزش علوم به شمار می‌آید؛ ولی براساس مبانی تربیت اسلامی علاوه بر این محور، تعمیق و تعالی نگرش توحیدی و دستیابی به درك غایت‌مند از خلقت و به عبارتی باز کشف و کشف و رمز و راز لایه‌های مادی هستی، از محورهای مهم تربیت علمی است». طبق معانی نهفته در فراز فوق چند هدف کلی به برنامه درسی علوم جهت می‌دهد و قاعدتاً در راهنمای برنامه درسی این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد.

- شناخت و استفاده مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی
- تکریم، آبادانی و ایفای نقش سازنده در ارتقای سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی
- کسب بصیرت و بینش عمیق نسبت به درك دنیای

اطراف و تعظیم خالق متعادل از طریق فهم عظمت
خلقت

● تعمیق و تعالی نگرش توحیدی و دستیابی به درک
غایت‌مند از خلقت

این انتظارات و مشابه این‌ها که در بیانیه سایر حوزه‌ها ارایه شده است، به برنامه‌ریزی درسی نیاز دارد نه به ایجاد تردید از طریق طرح نشانی غیراصولی به نام دوره. مگر طراحی دوره با جهت‌گیری دیگر و یا با ایده تعلیم و تربیت دیگر می‌تواند این جهت‌گیری اصیل و ریشه‌دار را تغییر دهد؟ ما باید تلاش کنیم برای تحقق این انتظارات و جهت‌گیری‌ها راهنماهای برنامه درسی شفاف تدوین کنیم و به تدریج به سوی تولید بسته‌های تربیت و یادگیری گام برداریم.

پیوند حوزه‌ها به هدف‌های دوره تحصیلی

تدوین کنندگان برنامه درسی ملی پیوند حوزه و دوره را در نظر داشته‌اند و سعی کرده‌اند امکان آن را در متن برنامه درسی ملی فراهم کنند. آنانی که مرتب تکرار می‌کنند؛ «اول دوره بعد حوزه»



به این سؤال بدون اغراض بیان‌دیشند که در برنامه درسی ملی چگونگی پیوند حوزه و دوره پیش‌بینی نشده است؟ لطفاً به این فرارز توجه کنید:

«حوزه‌های تربیت و یادگیری، حدود محتوایی، روش‌ها، فرایندها و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازند. این حوزه‌ها با یکدیگر ارتباط داشته؛ لیکن عناوین موضوعات درسی در دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی لزوماً معادل عناوین حوزه‌ها نخواهد بود و مفاهیم حوزه‌های یادگیری به صورت تلفیقی ارایه خواهد شد. ملاحظات و مفروضات اولیه در استنباط و تعیین حوزه‌های یادگیری، ارتباط آن‌ها با هدف کلی برنامه درسی ملی، الگوی هدف‌گذاری، شایستگی‌های پایه، هم‌خوانی با اسناد فرا‌دستی و هماهنگی با اصول حاکم بر برنامه است:

(الف) اهداف دوره‌های تحصیلی

(ب) شایستگی‌های پایه

(ج) اهداف خاص حوزه یادگیری

(د) اهداف مرتبط با سایر حوزه‌ها»

طبق راهکاری که در فرارز فوق در برنامه درسی ملی پیش‌بینی شده است. برنامه‌های درسی هر یک از حوزه‌ها، رابطه طولی یا

هدف‌های دوره‌های تحصیلی و رابطه عرضی با سایر حوزه‌ها را به دست می‌آورند.

اگر ارتباط هدف‌های برنامه درسی حوزه‌های ۱۱ گانه با هدف‌های چهارگانه فوق به نحو مطلوب صورت گیرد، یکپارچگی برنامه‌ها تحقق می‌یابد. هدف‌های دوره‌های تحصیلی و شایستگی‌های پایه بالاتر از حوزه‌ها هستند و هدف‌های خاص هر حوزه و هدف‌های مرتبط با سایر حوزه‌ها نیز به ارتباط عرضی هدف‌ها کمک می‌کنند.

نتیجه‌گیری

بر این اساس برنامه درسی ملی به عنوان یک سند بالادستی برنامه‌ریزی درسی نباید با هیچ عامل و مداخله دیگری مخدوش و از هویت اصلی خود خارج شود. بی تردید در فرآیند عملیاتی شدن آن می‌توان از پژوهش‌ها و نوآوری‌های کارشناسان و نخبگان کمک گرفت ولی نمی‌توان با طرح این سخن ناصحیح که: «اول باید دوره طراحی کنیم بعد به حوزه‌ها بپردازیم» مانع برنامه‌ریزی درسی عملیاتی شد. پروژه طراحی دوره تحصیلی مانند سایر پروژه‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد ولی نمی‌تواند عناصر دوره را از نو تعریف کند، زیرا این عناصر در متن برنامه درسی ملی تعیین تکلیف



شده است. هدف‌های دوره‌های تحصیلی، شایستگی‌های پایه، هدف‌های ارتباطی حوزه‌ها با یکدیگر، معلم، دانش آموز، محیط تربیت، محتوا و غیره در برنامه درسی ملی مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند. باید براساس این اجزا و مولفه‌های دوره، گام‌های بعدی برداشته شود و با توجه به هریک از دوره‌های تحصیلی جزئی‌تر و کاربردی‌تر شود. در این قسمت از مراحل برنامه ریزی درسی باید از تحقیقات و تأملات مدد گرفت و به صورت علمی و عملی کارها را پیش برد. آنچه که تحت عنوان "برنامه مکمل" نام برده می‌شود، ناظر بر این اقدامات است که هریک از حوزه‌های یازده‌گانه تحت چند اصل کلی انجام خواهند داد. این اصول به شرح زیر است:

● **حفظ اصالت:** برنامه درسی ملی یک سند ریشه‌دار و اصیل است. پایه‌های فکری و فلسفی آن را باید در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی جست و جو کرد و به صورت مشخص و قابل دسترس در مبنای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین یافته است.

● **وحدت و یکپارچگی:** در مراحل کاربردی برنامه‌ریزی درسی و تکمیل راهنماها، انسجام و یکپارچگی برنامه‌های درسی نباید مخدوش شود. در شرایط کنونی کثرت راهنماها (یازده حوزه)

براساس اقتضائات دوره و بیانیه حوزه‌ها انسجام یافته‌اند. علاوه بر این، حوزه‌های یازده گانه نیز با بیان انتظارات متقابل تا حدودی جهت‌گیری واحد دارند. با این‌که در خصوص این ویژگی، اقدامات تکمیلی و وحدت بخش می‌توان انجام داد؛ ولی نمی‌توان یکپارچگی را مخدوش کرد.

● **توأم بودن قیاس و استقراء:** برنامه‌های مکمل الزاماً و منطقاً

از طریق پیوند دو رویکرد قیاسی و استقرایی انجام خواهند گرفت. «چتری از بالا و تجمع داده‌ها از پایین» به هم پیوند خواهند خورد و زمینه برای تصمیم‌گیری را فراهم خواهد کرد. چتر بالا همان اهداف دوره‌های تحصیلی در چارچوب ساحت‌های تربیتی به علاوه هدف‌های هریک از حوزه‌های تربیت و یادگیری است. ممکن است هدف‌های مصوب دوره‌های تحصیلی نقص و اشکال هم داشته باشند ولی اگر نواقص را مانع تصمیم‌گیری‌های خود بپذیریم، هیچ قدمی به پیش نباید برداریم و کارها را باید تعطیل کنیم. فرض ما بر این است که هر سند مصوب و قانونی چتر بالاسر ماست. سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی و هدف‌های دوره‌های تحصیلی جهت‌دهنده به تصمیمات ما هستند و هر زمان ترمیم و اصلاح شوند، نسخه‌های جدید

مصوب مبنای عمل خواهند بود. برای توضیح و تصریح توأم بودن رویکرد قیاسی و استقرایی در تهیه راهنماهای مکمل، تعیین عناوین دروس و زمان آموزش به عنوان نمونه بررسی می‌شود. قاعدتاً هریک از حوزه‌های یازده گانه مطابق اهداف و محتوای خود عناوین درسی را بررسی و پیشنهاد می‌دهند. هر قدر این کار را با خرد جمعی و با کل نگری انجام دهند، عناوین درسی منطقی‌تر و قابل اعتنائتری را پیشنهاد خواهند داد. به همین ترتیب زمان آموزش را نیز طبق هدف‌های هر درس ارائه خواهند کرد. پس از این که همه حوزه‌ها پیشنهادهای خودشان را دادند، مجموع آن‌ها و با نگاه کلی در شورای راهبری که فوق همه حوزه‌هاست بررسی و تصمیم‌گیری می‌شود. ممکن است در این مرحله اختلاف نظر بین حوزه‌ها باشد که یک امر طبیعی است، اما با ضرورت‌های فراحوزه‌ای تصمیم نهایی اتخاذ می‌گردد.

● **ترجیح رویکرد تلفیقی:** در هر یک از مراحل برنامه‌ریزی درسی مخصوصاً در بخش محتوا و تعیین عناوین دروس شایسته است رویکرد تلفیقی تعیین موضوعات درسی بین رشته‌ای ملاک عمل قرار گیرد. رویکرد تلفیقی در مصالحه و توافق حوزه‌ها مخصوصاً

در دوره‌های ابتدایی و دوره اول متوسطه موثر است و امکان تحقق انتظارات مشترک در آن وجود دارد.

● **استفاده از تجارب جهانی:** در کشورهای دیگر مشابه کار ما و با برخی تفاوت‌ها انجام می‌گیرد یا در حال انجام است هریک از حوزه‌های یازده‌گانه از طریق مطالعه و دریافت تجربه سایر کشورها می‌توانند دلایل لازم را برای پیشنهاد خود در نظر بگیرند. این نکته مورد تصدیق است که نمی‌توان الگوی یک کشور را در کشور دیگر اجرا کرد، اما می‌توان از تجارب سایر کشورها بهره برد. آنان در تعیین عناوین دروس و زمان بندی چگونه عمل می‌کنند؟ تا حدی که اطلاعات موجود است قاعده خط کشی شده در این خصوص وجود ندارد و نوعاً این که هدف‌های آموزشی را مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌دهند، چون نهایتاً از طریق عناوین دروس و زمان آموزش، هدف‌ها تحقق می‌یابد. هرچند احتمال دارد تعبیرها و تفسیرها و انتظارات تدوین کنندگان هدف‌ها متفاوت باشد و نقطه تلاقی در تصمیم‌گیری‌ها ایجاد کند ولی تا حدود زیادی می‌تواند جهت دهنده باشد.



● **پرهیز از تعصب و تأکید بر استدلال:** یکی از عواملی که از اتخاذ تصمیم متعادل جلوگیری می‌کند، تعصبات رشته‌ای و گروهی است. هر قدر تعصب بیشتر باشد، توافق کمتر خواهد بود و برعکس هر قدر برهان‌پذیری و توجه به شرایط کلی، عمومی و افزون‌تر باشد، هماهنگی لازم تحقق خواهد یافت. لذا از همه حوزه‌های محترم تقاضا می‌شود، بیش از پیش به استدلال‌های علمی، آموزشی و محدودیت‌های اجرایی تکیه کنند و با نگاه کل‌نگر به حصول توافقات یاری رسانند.

من الله التوفیق

یادداشت:





تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر | ساختمان شماره ۴ آموزش و
پرورش | سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی | کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ | نمابر: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir